

بررسی دیدگاه دانش آموزان درباره پیوند با مدرسه: یک مطالعه کیفی*

Investigation of the Viewpoint of Students about School Bonding: A Qualitative Study[□]

Ali Rezaii Sharif, [✉]M.Sc.

Mahmood Gazi Tabatabaei, Ph.D.

Elahe Hejazi, Ph.D.

Javad Ejei, Ph.D.

علی رضایی شریف**

دکتر محمود قاضی طباطبائی***

دکتر الهه حجازی**

دکتر جواد اژه‌ای**

Abstract

This study examines school bonding and the factors that affect it among school students. School bonding refers to connections, belonging and sense of affiliation with school. In this study, data was gathered through qualitative research from 12 focus group discussions (each group contains 7 students) in 12 schools with 84 school students (42 females and 42 males) from elementary to high schools in Ardebil. The results of focus group discussion interviews indicated that school bonding consists of Attachment to School, Attachment to Teacher, Attachment to Personnel, School Involvement, Beliefs in School and School Commitment. Factors that influence school bonding include students individual factors, contextual factors, scholastic factors and family factors.

Keywords: school bonding, focus group discussion, school student.

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر پیوند با مدرسه در بین دانش‌آموزان بود. روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه تحقیق کیفی از نوع گروه‌های کانونی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش‌آموزان شاغل بر تحصیل شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بود. برای این منظور نمونه‌ای به حجم ۱۲ گروه با حضور ۸۴ نفر (۴۲ پسر و ۴۲ دختر) از دانش‌آموزان سوم ابتدائی، سوم راهنمایی و سوم دبیرستان به شیوه هدفمند از مدارس مناطق مختلف شهر انتخاب و در گروه‌های ۷ نفری مورد مصاحبه قرار گرفتند. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که پیوند با مدرسه از شش مولفه دل‌بستگی به مدرسه از بعد سازمانی، دل‌بستگی به معلمان، دل‌بستگی به کارکنان مدرسه، مشغولیت در مدرسه، باور به مدرسه و تعهد به مدرسه تشکیل شده است. مقولات استخراج شده نیز عبارتند از: عوامل مربوط به خود دانش‌آموز، عوامل بافتی، عوامل آموزشی و عوامل خانوادگی.

کلیدواژه‌ها: پیوند با مدرسه، بحث گروهی کانونی، دانش‌آموز.

□ Department of Educational Psychology and
Counseling, Tehran University, I.R. Iran.
✉Email: rezaiisharif@ut.ac.ir
web site: www.psychol.ir

* دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۹ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۷/۱۰
** گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره دانشکده روانشناسی و
علوم تربیتی دانشگاه تهران
*** دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

● مقدمه

توافق عمومی وجود دارد که مدارس محیط اجتماعی بزرگی هستند که یادگیری در آن هم در درون و هم بیرون کلاس درس رخ می‌دهد (هافمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۱ به نقل از اسکرم، ۲۰۰۲). مدرسه بعد از خانه مهمترین مکانی است که دانش‌آموزان در آن به سر می‌برند و نقش مهمی در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و فرصت‌های اجتماعی افراد دارند، کاتالانو و هاوکینز (۱۹۹۶) مدارس را عامل اصلی جامعه‌پذیری^۲ می‌دانند. پیوند با مدرسه^۳ اشاره به ارتباطاتی دارد که فرد با مدرسه و دیگر جنبه‌های زندگی تحصیلی دارد. هاوکینز و همکاران (۲۰۰۱) پیوند با مدرسه را دل‌بستگی، ارتباط عاطفی مثبت، تعهد و سرمایه‌گذاری شخصی نسبت به مدرسه می‌دانند. مادوکس و پرینز (۲۰۰۳)، باتیستیچ، اسکاپز و ویلسون (۲۰۰۴)، اولسنر، لیپولد و گرینبرگ (۲۰۱۰) پیوند با مدرسه را شامل مشغولیت در مدرسه، تعهد به ارزش‌ها و باور نسبت به مدرسه تعریف کرده‌اند. اهمیت پیوند با مدرسه به دلیل رابطه آن با پی‌آمدهای سازگارانه و تحولی مثبت و منفی است. پیوند ضعیف با مدرسه با پیشرفت تحصیلی پایین (سرنکوویچ و جوردانو، ۱۹۹۲؛ گودنو، ۱۹۹۳؛ وتزل، ۱۹۹۷؛ سیمونز-مورتون و همکاران، ۱۹۹۹؛ روسر و اکلز، ۱۹۹۸؛ استرمن، ۲۰۰۰؛ کانچاز، ۲۰۰۱؛ مورای و مورای، ۲۰۰۴؛ ایس، ۲۰۰۵؛ مادوکس، ۲۰۰۵) عدم حضور در مدرسه (چنکینز، ۱۹۹۷)، ترک تحصیل^۴ (سینکلایر و همکاران، ۱۹۹۸)، رفتارهای بزهکارانه (مک پارتلند و مک‌دیل، ۱۹۷۷)، مصرف مواد^۵ (هاوکینز و ویز، ۱۹۸۵)، درگیری با همتایان (چنی^۶ و همکاران، ۱۹۹۷؛ نقل از باررا، ۲۰۰۶) و مشکلات رفتاری (هاوکینز و ویز، ۱۹۸۵؛ مک براید و همکاران، ۱۹۹۵؛ باتیستیچ و هوم، ۱۹۹۷؛ سیمونز-مورتون و همکاران، ۱۹۹۹؛ هاوکینز و همکاران، ۲۰۰۱؛ لونزاک و همکاران، ۲۰۰۲؛ لیلجبرگ و همکاران، ۲۰۱۰) همراه است.

در ارتباط با اندازه‌گیری پیوند با مدرسه بازبینی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیادی در تعاریف و عملیاتی کردن و سنجش احساس‌ها، نگرش‌ها و ارزیابی‌های دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و نیز رفتارها و مشارکت‌های آن‌ها در مدرسه وجود دارد (جیمرسون، کامبوس و گریف، ۲۰۰۳؛ لیبی، ۲۰۰۴؛ پناغی و همکاران،

۱۳۸۹). این مفاهیم در چارچوب عناوینی چون پیوند، ارتباط^۷، تعلق^۸، التزام^۹، اتصال^{۱۰} و پیوستگی^{۱۱} به مدرسه مطرح شده‌اند (پناغی و همکاران، ۱۳۸۹). در اکثر مطالعات انجام شده برای اندازه‌گیری پیوند با مدرسه از روش‌های کمی و از ابزار پرسشنامه استفاده شده (سرنکوپیچ و جوردانو، ۱۹۹۲؛ گودنو، ۱۹۹۳؛ ونتزل، ۱۹۹۷؛ مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳) و بیشتر با هدف آماده‌سازی مقیاسی معتبر برای اندازه‌گیری این سازه بوده است (پناغی و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به محدودیت‌های که روش‌های کمی در اندازه‌گیری مفاهیم روان‌شناختی و اجتماعی دارند در مطالعه حاضر با استفاده از روش گروه‌های کانونی^{۱۲} به اندازه‌گیری و مطالعه پیوند با مدرسه پرداختیم. گروه‌های کانونی این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد تا فرایندهای تعاملی که در بین شرکت‌کنندگان اتفاق می‌افتد را مورد مشاهده قرار دهیم و برخلاف تحقیقات کمی که واحد مشاهده «فرد» است، در روش گروه‌های کانونی واحد مشاهده و واحد تحلیل «گروه» است. در اینجا تفاوت‌ها همانند جنس، طبقه و غیره مهم نبوده، بلکه ذهنیت مشترک افراد مهم است. از طریق این روش محقق تصویری نسبتاً جامع از ابعاد مختلف یک مساله و دست‌یابی به اطلاعات جدید و عمیق را فراهم می‌کند.

با توجه به آن‌چه که گفته شد درک فرایندهای پیوند با مدرسه، علل و پیامدهای آن، ما را در درک مکانیسم‌های که باعث تقویت پیوند با مدرسه می‌شوند، کمک می‌کند و می‌تواند ما را در مداخلات مدرسه محور یاری دهد (اولسنر، لیپولد و گرینبرگ، ۲۰۱۰). علیرغم اهمیت پیوند با مدرسه در پیشگیری از انحراف‌های اجتماعی، درباره چگونگی تغییرات آن و عوامل فردی و اجتماعی که بر آن تاثیر می‌گذارند، اطلاعات کمی داریم. بیشتر مطالعات انجام شده بر روی پیوند با مدرسه آن را به عنوان پیش‌بینی‌کننده برون‌دادهای دانش‌آموز مفهوم‌سازی کرده‌اند و به عنوان یک برون‌داد به تنهایی در نظر نگرفته‌اند. با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری پیوند با مدرسه، می‌توانیم به دانش‌آموزان در درونی‌سازی ارزش‌های مثبت و جلوگیری از مشکلات رفتاری کمک کنیم. با توجه به هدف در نظر گرفته شده که بررسی عوامل موثر بر پیوند با مدرسه با یک رویکرد کیفی است، نتایج این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب آموزشی، طراحی برنامه‌ها و مداخلات مدرسه محور جهت توانمندسازی دانش‌آموزان یاری رساند و الگوی مناسبی در جامعه

ایرانی ارائه کند.

● روش

در این مطالعه از روش گروه‌های کانونی و از ابزار مصاحبه (مصاحبه نیمه ساختار یافته) استفاده شده است. گروه کانونی یک راهبرد تحقیق است که شامل مصاحبه و بحث در گروه کوچکی از افراد بر روی موضوعی برای یک دوره زمانی است (به نقل از گیبس، ۱۹۹۷). این روش توسط مورگان در کتاب گروه‌های کانونی به عنوان تحقیق کیفی گسترش یافته است (هننیک، ۲۰۰۷).

○ روش اجرا

با توجه به هدف تحقیق که کشف مولفه‌های تشکیل دهنده و عوامل موثر بر متغیر مورد بررسی می‌باشد، بر اساس نظریه‌های موجود به تدوین چارچوب اولیه مصاحبه با دانش‌آموزان پرداخته شد، یعنی سوالات مصاحبه براساس ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق و نظر صاحب نظران و متخصصان تدوین شد. به منظور اطمینان از سطح روایی و اعتبار ابزار، ابتدا روایی سوالات از نظر متخصصان مورد بررسی قرار گرفته و ساختار سوالات اصلاح شد. همچنین سوالات روی گروهی از اعضای نمونه اجرا و برای اطمینان از اعتبار سوالات پس از دو هفته بار دیگر از اعضای نمونه همان سوالات پرسیده شد. در آغاز مصاحبه توضیحی کوتاه درباره موضوع، اهداف و روش تحقیق داده شد و با توجه به اینکه ابزار تحقیق مصاحبه نیمه ساختارمند بود، به منظور اجتناب از انحراف در پاسخ‌ها بر حسب ضرورت پاسخ‌ها هدایت می‌شدند.

○ در مطالعه حاضر نمونه‌ای به حجم ۱۲ گروه با حضور ۸۴ نفر (۴۲ پسر و ۴۲ دختر) از دانش‌آموزان سوم ابتدائی، سوم راهنمائی و سوم دبیرستان به شیوه هدفمند از مدارس مناطق مختلف شهر انتخاب و در گروه‌های ۷ نفری مورد مصاحبه قرار گرفتند. در تحقیق کیفی اندازه نمونه از قبل مشخص نیست و تا زمانی که کفایت نظری داده‌ها حاصل نشود، فرایند نمونه گیری ادامه می‌یابد. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در جداول زیر آمده است.

جدول ۱ اطلاعات توصیفی ویژگی‌های جنس، پایه تحصیلی و سن شرکت کنندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کنندگان در تحقیق

درصد	تعداد		
۵۰	۴۲	دختر	جنس
۵۰	۴۲	پسر	
۳۳/۳	۲۸	سوم ابتدائی	پایه
۳۳/۳	۲۸	سوم راهنمائی	تحصیلی
۳۳/۳	۲۸	سوم متوسطه	
انحراف معیار	میانگین		
۰/۳۵	۹/۱۴	سوم ابتدائی	سن
۰/۵۶	۱۴/۷۸	سوم راهنمائی	

روش تحلیل داده‌ها

در روش‌های تحقیق کیفی، گردآوری و تحلیل داده‌ها فرآیندهایی هستند که شدیداً به هم وابسته‌اند، ولی باید به طور متناوب صورت گیرند، زیرا تحلیل داده‌ها هدایت‌گر نمونه گیری از داده‌هاست. براساس یک قاعده کلی، تحلیل داده‌ها برای هر مورد انتخابی در گروه ایجاد و ساخت مفاهیم از طریق فرآیند کدگذاری صورت می‌گیرد که طی آن داده‌ها تجزیه و شکسته شده، مفهوم سازی می‌شوند و مجدداً در قالبی جدید سامان می‌گیرند. در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری آزاد و کدگذاری محوری استفاده شد. کدگذاری آزاد، بخشی از تجزیه و تحلیل داده‌هاست که طی آن داده تجزیه و شکسته شده و حاصل آن ایجاد مفاهیمی است که سنگ بنای الگوی اصلی تحقیق را شکل می‌دهند.

○ پس از اجرای مصاحبه، تمامی یادداشت‌های حاصل از جلسات مصاحبه تنظیم و سازمان دهی شد، مصاحبه‌ها خط به خط مورد بررسی قرار گرفته و به جملات و عباراتی تجزیه شده‌اند که در واقع همان داده‌های خام یا اولیه تلقی می‌شوند. سپس همه جملات و عبارات استخراج شده به صورت مدام مورد مقایسه قرار گرفته و در قالب جملات و عبارات مشابه (جملات و عبارتی که یک مفهوم خاص را در متن خود داشتند) گروه بندی شده‌اند. پس از گروه بندی جملات مشابه، مفهوم یا مفاهیم خاصی که در تمامی جملات به آن‌ها اشاره شده بود، استخراج شده‌اند. پس از استخراج همه مفاهیم، مفاهیم مشابه دسته بندی شده و در سطح انتزاعی بالاتر در قالب یک مقوله کلی، قرار گرفتند. فرآیند مقوله بندی هم براساس دو رویه تحلیلی و مقایسه کردن و پرسیدن انجام شد. در جریان این کار مقوله‌ها به طور منظم با یکدیگر مقایسه شده تا بتوانیم به مقولات جامع و

مرکب دست یابیم. (استراس و کوربین، ۱۳۸۵).

● یافته‌ها

به منظور رسیدن به هدف اول پژوهش که مشخص کردن مولفه‌ها و عوامل مرتبط با پیوند دانش‌آموزان با مدرسه از ابتدائی تا دبیرستان هست، پس از گفت‌وگو گروهی، ابتدا جملات و عبارات مشابه حاصل از پاسخ‌ها استخراج شده، سپس در قالب مفاهیم دسته‌بندی شده‌اند. در جداول زیر چند نمونه از مفاهیم استخراج شده از جمله نحوه استخراج مفهوم دل‌بستگی به مدرسه از بعد سازمانی، دل‌بستگی به معلم، دل‌بستگی به کارکنان، مشغولیت در مدرسه، باور به ارزش‌های مدرسه و تعهد به مدرسه به تفکیک مقطع تحصیلی (با علامت *) نشان داده شده است.

جدول ۲- کدهای احصاء شده از داده‌ها در بخش کد گذاری آزاد

ردیف	داده	مقطع		مفهوم
		ابتدائی	دبیرستان	
۱	توجه به تغذیه دانش‌آموزان	*		دل‌بستگی به مدرسه از بعد سازمانی
۲	نزدیکی مدرسه به خانه و محل زندگی دانش‌آموزان	*		
۳	افزایش مدت زمان زنگ تفریح	*		
۴	انتخاب رشته در دوره راهنمایی و مشخص شدن رشته تحصیلی در همین مقطع	*		
۵	بهبود وضعیت هدایت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی	*	*	
۶	برنامه ریزی صحیح مدارس	*	*	
۷	استفاده از فن‌آوری‌های جدید آموزشی در مدارس	*	*	
۸	لزوم آموزش مدارس مبتنی بر نیازهای روز جامعه	*	*	
۹	استفاده از روش‌های جدید آموزش و به روز بودن آموزش	*	*	
۱۰	بازنگری در کتاب‌ها و محتوای کتب درسی	*	*	
۱۱	نظر خواهی از دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه	*	*	
۱۲	کاربردی کردن و اهمیت دادن بر دروس عملی	*	*	
۱۳	کاهش دادن ساعات حضور اجباری در مدرسه	*	*	
۱۴	بهبود امکانات، تجهیزات و شرایط فیزیکی کلاس و مدرسه	*	*	
۱۵	امنیت و نظم مدارس	*	*	

براساس جدول ۲ مفهوم دل‌بستگی به مدرسه از جملات و عبارات مشابهی مانند: امنیت و نظم مدارس، رضایت از کتاب‌های درسی، امکانات مورد نیاز دانش‌آموزان،

شلوغی و پرجمعیت بودن مدرسه، لزوم آموزش مدارس مبتنی بر نیازهای روز جامعه، بهبود وضعیت هدایت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی (نارضایتی از انتخاب رشته بالا است) و برنامه ریزی صحیح مدارس، این مولفه استخراج شد. دل بستگی به مدرسه عاملی است که سبب پیوند دانش آموزان با مدرسه خواهد شد و دانش آموزان خواهان حضور بیشتر در مدرسه خواهند شد.

جدول ۳- کدهای احصاء شده در بخش کد گذاری آزاد

مفهوم	مقطع		داده	ردیف
	دبیرستان	راهنمائی		
دل بستگی به معلم			*	۱ ظاهر معلم
			*	۲ روابط بین فردی معلم با دانش آموزان
	*	*		۳ دانش علمی معلمان
	*	*	*	۴ روش تدریس
	*	*	*	۵ ارزشیابی معلم
	*	*	*	۶ استفاده معلمان از فن آوری های آموزشی
	*	*	*	۷ مدیریت معلم در کلاس

بر اساس جدول ۳ از جملات و عبارات مطرح شده، در قالب دل بستگی به معلم شامل رفتارهای بین فردی معلم با دانش آموزان (مانند خلق و خوی معلم، عدم تنبیه و تهدید به تنبیه، احترام به نظرات افراد، انتظارات معلم، همدلی و انگیزه دادن به دانش آموزان و عدم تبعیض در برخورد با دانش آموزان)، دانش علمی معلمان، روش تدریس (حل تمرینات دروس، عدم کم کاری معلمان در تدریس)، شیوه ارزشیابی معلم و مدیریت معلم در کلاس، مفهوم دل بستگی به معلم استخراج شده است. بر اساس این مفهوم مصاحبه شونده‌گان به اهمیت دل بستگی به معلم و تأثیر آن در پیوند به مدرسه تأکید کرده‌اند.

بر اساس جدول ۴ از جملات و عبارات مشابه مانند قضاوت‌های نادرست مدیران و ناظمین، تبعیض گذاشتن بین دانش آموزان، تنبیه دانش آموزان، سوگیری نسبت به دانش آموزان، بد قولی کارکنان و مجبور کردن دانش آموزان جهت شرکت در مراسم خاص، مفهوم دل بستگی به کارکنان استخراج شده است.

جدول ۴- کدهای احصاء شده از داده‌ها در بخش کد گذاری آزاد

ردیف	داده	مقطع			مفهوم
		ابتدائی	راهنمایی	دبیرستان	
۱	روابط بین فردی کارکنان با دانش‌آموزان	*	*	*	دلبستگی به کارکنان
۲	انجام درست وظایف اداری و فرهنگ سازمانی	*	*	*	
۳	راهنمایی و مشاوره مناسب دانش‌آموزان	*	*	*	
۴	پایبندی به اصول اخلاقی	*	*	*	
۵	تربیت نیروی انسانی متخصص	*	*	*	
۶	دقت در گزینش کارکنان مدارس	*	*	*	

براساس جدول ۵ مفهوم مشغولیت دانش‌آموزان در مدرسه از جملات و عبارات مشابهی مانند: شرکت در فعالیتهای فوق برنامه مانند تحقیقات گروهی، گردشهای علمی و تفریحی، اجرای مسابقات در مدرسه، کارهای آزمایشگاهی و کارگاهی، مسابقات ورزشی و هنری این مولفه استخراج شده است. مشغولیت دانش‌آموزان در مدرسه عاملی است که سبب پیوند دانش‌آموزان با مدرسه خواهد شد و دانش‌آموزان خواهان حضور بیشتر در مدرسه می‌شوند.

جدول ۵- کدهای احصاء شده از داده‌ها در بخش کد گذاری آزاد

ردیف	داده	مقطع			مفهوم
		ابتدائی	راهنمایی	دبیرستان	
۱	همکاری‌های گروهی و یادگیری مشارکتی	*	*	*	مشغولیت در مدرسه
۲	شرکت در فعالیتهای فوق برنامه	*	*	*	
۳	فعالیت‌های ورزشی مانند یادگیری ورزش‌های مختلف و اجرای مسابقات ورزشی	*	*	*	
۴	فعالیت‌های هنری مانند موسیقی، تئاتر	*	*	*	
۵	فعالیت‌های علمی مانند کارهای آزمایشگاهی، تحقیقات گروهی و گردش‌های علمی	*	*	*	
۶	افزایش برنامه‌های تفریحی و سرگرمی در مدرسه مانند اردو	*	*	*	
۷	آزاد و اجباری نبودن و جذاب و متنوع بودن فعالیت‌ها	*	*	*	
۸	انتخاب نوع و چگونگی فعالیت‌ها از طرف دانش‌آموزان نه از طرف مسئولین	*	*	*	

جدول ۶- کدهای احصاء شده از داده‌ها در بخش کد گذاری آزاد

مفهوم	مقطع			داده	ردیف
	دبیرستان	راهنمائی	ابتدائی		
باور به مدرسه	*	*	*	باور به پیشرفت و رسیدن به شغل دلخواه از طریق مدرسه	۱
	*	*	*	منزلت اجتماعی تحصیل و اهمیت یادگیری	۲
	*	*	*	منصفانه بودن قوانین مدرسه	۳
	*	*	*	اهمیت قوانین مدرسه در پیشرفت افراد	۴
	*	*	*	نگرانی درباره آینده شغلی	۵

براساس جدول ۶ مفهوم باور به مدرسه از جملات و عبارات مطرح شده مانند باور به پیشرفت و رسیدن به شغل دلخواه از طریق مدرسه، ارزش و منزلت اجتماعی تحصیل و اهمیت یادگیری، منصفانه بودن و اهمیت قوانین مدرسه در پیشرفت افراد و نگرانی درباره آینده شغلی (مناسب نبودن بازار کار برای تحصیل کرده‌ها)، مفهوم باور به مدرسه استخراج شده است. براساس این مفهوم مصاحبه شونده‌گان به اهمیت باور و تأثیر آن در پیوند به مدرسه تأکید کرده‌اند.

جدول ۷- کدهای احصاء شده از داده‌ها در بخش کد گذاری آزاد

مفهوم	مقطع			داده	ردیف
	دبیرستان	راهنمائی	ابتدائی		
توجه به مدرسه	*	*	*	خود مهارگری افراد	۱
	*	*	*	جدی گرفتن اجرای قوانین	۲
	*	*	*	شفاف و روشن بودن قوانین	۳
	*	*	*	عادلانه و منطقی بودن قوانین	۴
	*	*	*	اطاعت سایر افراد از قوانین	۵
	*	*	*	فرهنگ خانواده دانش‌آموز	۶
	*	*	*	استفاده از نظرات و پیشنهادات دانش‌آموزان در تدوین قوانین	۷

براساس جدول ۷ از جملات و عبارات مطرح شده، تعهد به مدرسه که شامل جنبه رفتاری و شناختی پیوند با مدرسه است، استخراج شد. از نظر دانش‌آموزان خود مهارگری پایین بعضی از دانش‌آموزان، جدی نگرفتن قوانین از طرف مسئولین، شفاف و روشن نبودن قوانین، عادلانه و منطقی نبودن قوانین، اطاعت نکردن سایر افراد از قوانین و عدم استفاده از نظرات و پیشنهادات دانش‌آموزان در تدوین قوانین باعث عدم تعهد دانش‌آموزان به قوانین می‌شود.

بخش کدگذاری محوری

پس از تهیه و تنظیم جدول‌ها به عنوان بخشی از تحلیل کیفی داده‌های حاصل از انجام مصاحبه، برای تکمیل تحلیل براساس کدگذاری آزاد، مفاهیم حاصله در سطح بالاتر و تجریدی تر جهت دستیابی به مقولات، گروه‌بندی شدند. مقوله بندی فرایندی است که مفاهیم باید گروه‌بندی شوند. زیرا در غیر این صورت موجب سردرگمی خواهند شد. بنابراین بار دیگر با استفاده از مقایسه مداوم مفاهیم با همدیگر، هر مفهوم با مفاهیم قبل یا بعد خود یا با همه مفاهیم موجود مقایسه شدند تا مقولات کلی استخراج شوند. لذا پس از مقایسه مفاهیم استخراج شده، مفاهیم مرتبط در یک مقوله کلی دسته بندی شد و براساس عناوین موجود در نظریه‌های مرتبط یا مفاهیم برخاسته از ادبیات تحقیق، عناوین کلی برای مقولات در نظر گرفته شد. نحوه تشکیل مقولات براساس مفاهیم مرتبط به شرح زیر است:

الف. عوامل مربوط به خود دانش آموز: متغیرهای خاص فردی برخاسته از عوامل محیطی و وراثتی که زمینه ساز تفاوت فردی می باشد. مفاهیمی تحت عنوان سن، خود کنترلی، باورهای خود کارآمدی، باور و تعهد به مدرسه، در مقوله ویژگی‌های فردی و عوامل مربوط به خود دانش آموز قرار گرفتند.

ب. عوامل بافتی: به مجموعه عوامل محیطی اشاره می شود که بر پیوند به مدرسه دانش آموزان تاثیر دارد. در این تحقیق وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانش آموز، همتایان و دوستان به عنوان عوامل بافتی در نظر گرفته شد.

ج. عوامل آموزشی: مجموعه عوامل فیزیکی - آموزشی و عوامل انسانی - آموزشی که به نحوی بر پیوند به مدرسه دانش آموزان اثر گذار بود که در این تحقیق عبارتند از دلبستگی به معلمان، دلبستگی به کارکنان، دلبستگی به مدرسه و مشغولیت در مدرسه.

د. عوامل خانوادگی: منظور عوامل مربوط به خانواده که عبارتند از بی توجهی والدین به تحصیل فرزندان، ممانعت والدین از تحصیل فرزندان، عدم برقراری رابطه صحیح و دوستانه بین دانش آموز و والدین که تحت عنوان پیوند با والدین نام گذاری شد.

بنابراین نتیجه تحلیل کیفی داده‌های خام حاصل از اجرای مصاحبه، استخراج مفاهیم

و نهایتاً مقولات کلی تر بود که بر پیوند با مدرسه دانش آموزان مؤثر شناخته شدند. این مقولات عبارتند از: ویژگی‌های فردی و عوامل مربوط به خود دانش آموز، عوامل بافتی، عوامل آموزشگاهی و عوامل خانوادگی، بنابراین تا این مرحله از تحقیق عوامل مرتبط با پیوند دانش آموزان به مدرسه شناسایی شد.

هدف دوم پژوهش مشخص کردن نقش عوامل شناخته شده بر پیوند دانش آموزان به مدرسه است. به این منظور در قالب روش تحقیق کیفی، با استفاده از پارادایمی که کوربین و استراس (۱۳۸۵) ارائه کرده‌اند، نقش هر یک از عوامل را شناسایی می‌توان کرد. به منظور شناسایی نقش مقولات در این تحقیق با مراجعه مکرر به داده‌های خام اصل از مصاحبه‌ها نقش مقولات استخراج شده را در قالب مدل پارادایمی شناسایی نمودیم. مدل پارادایمی دارای اجزای زیر است:

الف. شرایط علی: به علت‌ها و وقایعی اشاره می‌کند که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند.

ب. شرایط مداخله‌ای: به شرایط وسیع‌تر و عام‌تر مانند، محیط، فضا، فرهنگ که به عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده عمل می‌کنند، اشاره دارند.

ج. زمینه: مجموعه‌ای خاص از ویژگی‌های مربوط به پدیده است که مانند ویژگی‌های مربوط به یک حادثه یا یک مشکل است.

د. پدیده کانونی: واقعه یا رویداد اصلی است که حاصل تعامل میان شرایط متفاوت است.

هـ. راهبردی: مجموعه تدابیری که برای مدیریت، مهارگری و اداره پدیده تحت بررسی اتخاذ می‌شود.

بر این اساس پیوند با مدرسه به عنوان پدیده کانونی یا متغیر اصلی مطرح است. شرایط علی که مستقیماً بر پیوند با مدرسه مؤثرند و دلیل اصلی پیوند با مدرسه هستند، مفاهیمی هستند که در مقوله مولفه‌های پیوند با مدرسه قرار گرفته‌اند. در واقع، مفاهیم دلبستگی به معلمان، دلبستگی به کارکنان، دلبستگی به مدرسه، مشغولیت در مدرسه، باور و تعهد به مدرسه به عنوان مولفه‌ها و دلایل اصلی پیوند با مدرسه از سوی پاسخ دهندگان معرفی شده‌اند. علاوه بر شرایط علی که از طریق مقوله مولفه‌های پیوند با مدرسه ایجاد می‌شود، برای وقوع پدیده کانونی یا متغیر اصلی، محیط اجتماعی -

اقتصادی حاکم، نقش مداخله‌ای دارند. همان گونه که ذکر شد، پاسخ‌های ارائه شده نشان می‌دهند که درآمد پائین خانواده دانش‌آموز، رابطه با همتایان به عنوان مقوله محیطی نامیده شدند. فقدان محیط مناسب برای مطالعه در خانه، فاصله زیاد محل تحصیل از محل زندگی و درآمد پائین خانواده و رابطه با همسالان به عنوان عوامل محیطی نقش مداخله‌ای در تحقق بخشیدن به پیوند با مدرسه دارند. منظور از نقش مداخله‌ای این است که اقداماتی که در جهت تقویت متغیر اصلی (پیوند با مدرسه) از محیط انجام می‌شود. احتمالاً تحت تأثیر مداخله محیطی نقش آن‌ها تقویت یا تضعیف می‌گردد.

همچنین برخی از مقولات استخراج شده در این تحقیق، براساس مدل پارادایمی، نقش زمینه‌ای دارند ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان مانند سن، باور، تعهد، خود مهارگری و باورهای خود کارآمدی، زمینه‌ای است که ما براساس آن پیوند با مدرسه را تشریح می‌کنیم. اینکه دانش‌آموزان چه ویژگی‌های روانشناختی و جمعیت‌شناختی دارند، نقش زمینه‌ای آن‌ها را برای ما مشخص می‌کند. نحوه بیان جملات از سوی پاسخ‌دهندگان بیانگر این نکته است که خود دانش‌آموزان، ویژگی‌های دارند که بر پیوند با مدرسه مؤثر است و مولفه‌های پیوند با مدرسه که در جهت افزایش پیوند ارائه می‌شوند را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در نهایت اینکه عوامل آموزشی به عنوان یک راهبرد از سوی پاسخ‌دهندگان مطرح شده است. استراتژی یا راهبرد فرایندی است که در طول زمان به تقویت یا تضعیف یک پدیده کمک می‌کند. در این مفاهیم دل‌بستگی به معلمان، دل‌بستگی به کارکنان، دل‌بستگی به مدرسه، مشغولیت در مدرسه با فراهم کردن محیط مناسب برای تحصیل در مدرسه، فراهم کردن نیروهای مجرب و کارکنان آموزش دیده در مدارس، دایر کردن جوی مناسب برای دانش‌آموزان در مدرسه، شرایطی است که در گذر زمان زمینه افزایش پیوند با مدرسه را فراهم می‌کند.

به طور کلی نتایج حاصل از انجام دادن تحلیل‌های کیفی نشان می‌دهد که چهار مقوله اصلی، عوامل مربوط به خود دانش‌آموز، عوامل مربوط به محیط، عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی از عوامل مهمی هستند که بر افزایش پیوند با مدرسه دانش‌آموزان مؤثر می‌باشند. بنابراین بر اساس مدل ارائه شده استراس و کوربین می‌توان نقش مقولات حاصل از تحلیل کیفی را شناسایی نمود که نشان دهنده کدگذاری محوری داده‌های کیفی هستند، نقش مقولات حاصل از این تحقیق در قالب مدل پارادایمی استراس و کوربین

تشریح شده است.

● بحث و نتیجه گیری

○ برای عنوان کدگذاری مولفه‌های پیوند با مدرسه از عناوین و مفاهیمی که در نظریه‌های پیوند با مدرسه وجود داشتند که به آن مفاهیم برخاسته از نوشته‌ها می‌گویند، استفاده شد.

○ از مولفه‌های اساسی پیوند با مدرسه در مطالعه حاضر، دلبستگی به مدرسه از بعد سازمانی بود و به احساساتی که دانش‌آموز درباره مدرسه دارد، اشاره می‌کند (سرنکوپیچ و جوردانو، ۱۹۹۲). این بعد تنها به احساسات نوجوان درباره سازمان واقعی می‌پردازد و احساسات دانش‌آموز را درباره آموزگاران، کارکنان یا مدیران مدرسه توجه ندارد. احساسات در این بعد شامل حسنی از تعلق داشتن، احساس غرور در مدرسه و همچنین احساس آرامش در مدرسه است (قاضی طباطبائی، حجازی و رضائی شریف، ۱۳۸۹). اظهارات دانش‌آموزان در این بعد نشان می‌داد که دانش‌آموزان انتقادات و ایرادات جدی بر ساختار نظام آموزشی مدارس داشتند، از نظر آن‌ها اغلب کتاب‌های درسی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که فقط جنبه حفظ کردنی دارند و کمتر افراد را به تفکر و اندیشیدن وا می‌دارند. گروهی از دانش‌آموزان راهنمایی اعتقاد داشتند، انتخاب رشته نباید در دوره دبیرستان بلکه باید در دوره راهنمایی صورت گیرد، چون باعث اتلاف وقت می‌شود. از نظر آن‌ها کتاب‌ها باید بر اساس نیازهای دانش‌آموزان و براساس جنس طراحی شود، در درس آمادگی دفاعی، حرفه و فن و تاریخ باید بازنگری شود. از نظر دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان کتاب‌های درسی از تنوع و جذابیت پائینی برخوردارند و انگیزه لازم را برای مطالعه ایجاد نمی‌کنند، اما دانش‌آموزان ابتدائی از کتابهای درسی خود رضایت داشتند.

○ بر اساس گفتمان گروهی در این مطالعه، یکی دیگر از مولفه‌های اساسی پیوند با مدرسه، دلبستگی به معلمان بود. معلم نقش تعیین کننده در پیوند دانش‌آموز با مدرسه و پیشرفت تحصیلی آن‌ها دارد. در مطالعه حاضر دانش‌آموزان دوره ابتدائی بیشتر بر رابطه مثبت بین معلم و دانش‌آموز تاکید داشتند و دانش‌آموزان راهنمایی و متوسطه بر روش تدریس و سواد علمی او تاکید می‌کردند. معلمان در کلاس خود سبکی دارند که

این سبک نقش بنیانی در درک، تفهیم، انگیزه، کار، موفقیت یا عدم موفقیت دانش‌آموزان دارد. سبک و روش معلم در کلاس، سبب علاقمندی یا تنفر دانش‌آموز از درس، کلاس و مدرسه می‌شود و تجربیات شیرین یا تلخی را برای ارتباط‌های بین فردی و اجتماعی بعدی او به وجود می‌آورد. برخوردهای درون کلاس، سبب شکل‌گیری و استحکام شخصیت دانش‌آموزان می‌شود و او یاد می‌گیرد که چگونه در بین دیگران و در جامعه زندگی کند (میرکمالی، ۱۳۸۰). بنابراین از مهمترین عامل در پیوند مدرسه دانش‌آموزان خصوصا در دوره ابتدایی دبستگی به معلم است.

یکی دیگر از مولفه‌های اساسی پیوند با مدرسه، دبستگی به کارکنان بود. دبستگی به کارکنان، احساس درک شدن از سوی کارکنان مدرسه است. اظهارات دانش‌آموزان نشان می‌دهد که ایرادات زیادی به این بعد وارد است. مانند مهارت‌های ارتباطی کارکنان، قضاوت‌های نادرست مدیران و ناظمین، تبعیض گذاشتن بین دانش‌آموزان، تنبیه دانش‌آموزان، سوگیری نسبت به دانش‌آموزان، بدقولی کارکنان و مجبور کردن دانش‌آموزان جهت شرکت در مراسم. پین و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که روابط بین کارکنان آموزشی و دانش‌آموزان و هماهنگی آن‌ها در جلب توجه دانش‌آموزان بر پیوند دانش‌آموزان با مدرسه اثرگذار است.

مولفه دیگر که از گفتمان گروهی دانش‌آموزان بدست آمد، مشغولیت در مدرسه بود، مفهوم مشغولیت در مدرسه از جملات و عبارات مشابهی مانند شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه مانند تحقیقات گروهی، گردش‌های علمی و تفریحی، اجرای مسابقات در مدرسه، کارهای آزمایشگاهی و کارگاهی، مسابقات ورزشی و هنری استخراج شد. مشغولیت دانش‌آموزان در مدرسه عاملی است که سبب پیوند دانش‌آموزان با مدرسه خواهد شد و دانش‌آموزان خواهان حضور بیشتر در مدرسه می‌شوند. مشغولیت در مدرسه بوسیله مشارکت‌های رفتاری در فعالیت‌های مدرسه که معمولا با اصطلاح فراوانی رفتاری^{۲۹} ارائه می‌شود، تعریف شده است (به طور مثال حضور در مسابقات فوتبال و میزان ساعاتی که صرف فعالیت‌های تفریحی و قبول مشغولیت مثل عضویت در باشگاه را شامل می‌شود). آن‌ها نمایانگر مولفه زمانی پیوند با مدرسه هستند (سرنکوپیچ و جوردانو، ۱۹۹۲). اظهارات دانش‌آموزان در این بعد نشان می‌داد که دانش‌آموزان انتقاد و ایرادات جدی بر این بعد داشتند، کمبود و نبود امکانات، عدم

تحرک دانش آموزان، عدم گذاشتن برنامه‌های تفریحی و نبود مسابقات ورزشی و جدی نگرفتن این فعالیت‌ها از انتقادات دانش آموزان به مدرسه بودند. با فراهم کردن امکانات مورد نیاز دانش آموزان می‌توان مشغولیت دانش آموزان را در مدرسه افزایش داد.

○ مولفه دیگر که از گفتمان گروهی دانش آموزان بدست آمد، باور به مدرسه بود، باور پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مدرسه است. فرد هنجارهای قراردادی و قوانین جامعه را می‌پذیرد و به آن‌ها احترام می‌گذارد، باور ممکن است بعنوان اعتقاد راسخ نسبت به مدرسه یا این ایده که ارزشی در آموزش وجود دارد، مفهوم‌سازی شود (مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳). سازه باور به مدرسه در مطالعات سرنکوپیچ و جوردانو (۱۹۹۲) و ویلیامز (۱۹۹۴) بخاطر حمایت تجربی کم به عنوان یک بعد مستقل در مطالعه پیوند با مدرسه کنار گذاشته شده است. در حالی که جنکینز (۱۹۹۳) و هیرشی (۱۹۶۹) بر مولفه باور و اعتقاد در کنار سایر مولفه‌ها تاکید دارند. در مطالعه حاضر نیز از مفاهیمی چون باور به پیشرفت از طریق مدرسه، رسیدن به شغل دلخواه از طریق مدرسه، اهمیت تحصیل، منزلت اجتماعی تحصیل، اهمیت یادگیری و سواد، این مولفه بدست آمد. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌داد که دانش آموزان دبیرستانی باورهای منفی‌تری نسبت به دانش آموزان مقاطع ابتدائی و راهنمائی داشتند و این باورها بیشتر در ارتباط با آینده شغلی بود. برای بعضی‌ها هم مدرسه جایی است با ساختار استبدادی که قوانین و مقررات در آن به شدت تحمیل می‌شود و از کنترل سلسله مراتبی شدیدی برخوردار است.

مولفه تعهد به مدرسه یکی دیگر از مولفه‌های استخراج شده پیوند با مدرسه بر اساس گفتمان گروهی مصاحبه‌شوندگان بود. تعهد نوعی سرمایه‌گذاری است که شخص در قراردادهای اجتماعی دارد و دل‌بستگی شخصی به فعالیت‌های مدرسه و اولویتی که مدرسه برای دانش آموزان دارد، اشاره می‌کند. دانش آموزان با تعهد بالا، اهداف، هنجارها و اخلاقیات مدرسه را می‌پذیرند (هیرشی، ۱۹۶۹؛ وایت روسکی و آندرسون، ۱۹۸۷؛ مکگی، ۱۹۹۲؛ سرنکوپیچ و جوردانو، ۱۹۹۲؛ فری، ۱۹۹۴؛ سیمونز-مورتون و همکاران، ۱۹۹۹؛ مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳). این بعد، ترکیبی از رفتار و باور است (هیرشی، ۱۹۶۹؛ مادوکس و پرینز، ۲۰۰۳). جملات و عبارات مطرح شده نشان می‌داد که قوانین باید شفاف و روشن، عادلانه، منطقی و قابل اجرا باشند، عدم اطاعت

سایر دانش آموزان از قوانین باعث می شود که بقیه نیز این قوانین را رعایت نکنند. در تدوین قوانین باید از نظرات و پیشنهادها دانش آموزان نیز استفاده گردد. گات فردسون و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده اند در مدرسی که قوانین و مقررات بطور شفاف و صریح تری به دانش آموزان گوش زد گردیده بود، دانش آموزان رفتار مجرمانه کمتری داشتند و دانش آموزان کمتری قربانی خشونت شده بودند. پین و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند در مدرسی که سازماندهی و مدیریت امور به طور جمعی و مشاوره ای انجام می گردد، شاهد بی انضباطی های نسبتا کمتری از سوی دانش آموزان هستند.

○ تحلیل مصاحبه های دانش آموزان نشان داد که یکی از عوامل موثر بر پیوند با مدرسه دانش آموزان وضعیت اجتماعی و اقتصادی دانش آموز است. در مطالعه حاضر دانش آموزان بیان داشتند که معلمین و کارکنان مدرسه بین دانش آموزان فرق می گذارند و دانش آموزان مربوط به طبقه پایین را چندان مورد توجه قرار نمی دهند، به ویژه دانش آموزانی که از ظاهر مناسب برخوردار نیستند و شیوه های گفتار و رفتارشان با شیوه های گفتار و رفتار مرسوم در مدرسه مغایرت دارد. سطح تحصیلات والدین یا موقعیت شغلی آنها ممکن است با نگرش و سطح انتظارات دانش آموزان درباره تعلیم و تربیت از همان سال های اولیه کودکی رابطه داشته باشد (فولادتن، ۲۰۰۳).

○ از عوامل موثر بر پیوند با مدرسه دانش آموزان پیوند با والدین بود. از نظر دانش آموزان زمینه های قبلی و عوامل مربوط به خانواده بر پیوند دانش آموز به مدرسه موثرند. مطالعات چنی و همکاران (۱۹۹۷) و کیم (۲۰۰۰) نشان داده بسیاری از دانش آموزانی که پیوند با مدرسه ضعیفی داشتند، پیوند با والدین ضعیفی نیز گزارش کرده اند، مطالعات نشان می دهد پیوند فرد با والدین بر پیوند دانش آموزان به مدرسه تاثیر گذار است. چنی و همکاران (۱۹۹۷) دریافتند که در رابطه بین پیوند با والدین و مشکلات رفتاری دانش آموزان، پیوند با مدرسه، نقش میانجی دارد (نقل از باررا، ۲۰۰۶).

○ از عوامل مهم موثر بر پیوند با مدرسه دانش آموزان دلبستگی به هم تایان بود. (هاوکینز و ویز، ۱۹۸۵). از نظر مصاحبه شوندگان داشتن دوستان خوب و صمیمی در مدرسه از عامل های مهم پیوند با مدرسه است و باعث می شود که افراد در مدرسه شاد بوده و احساس راحتی کنند. از نظر دانش آموزان بچه هایی که در مدرسه دوستان صمیمی ندارند احساس تنهایی کرده و منزوی می شوند و مدرسه محیط خوشایندی بر

آن‌ها نیست، براساس این مفهوم، مصاحبه شونده‌گان به اهمیت دل‌بستگی به دوستان و تأثیر آن در پیوند به مدرسه تأکید کرده‌اند.

○ همچنین نتیجه تحلیل داده نشان داد که ویژگی‌های روانشناختی همچون خود مهارگری و باورهای خود کارآمدی از عوامل اثر گذار بر پیوند با مدرسه است. دانش‌آموزان بیان داشتند علی‌رغم اطلاع از عواقب بی‌انضباطی‌ها و رفتارهای غیر قانونی در مدرسه باز به علت «زود از کوره در رفتن»، و فقط «لذت بخش» «بودن عمل» مرتکب کارهای غیر قانونی می‌شوند. از نظر گات فردسون و هیرشی (۱۹۹۰) خود مهارگری پائین عامل پیوند با مدرسه ضعیف و رفتار انحرافی است. همچنین دانش‌آموزانی که از خودکارآمدی تحصیلی بالایی برخوردار بودند گرایش مثبت تری به مدرسه داشتند.

از محدودیت مطالعه حاضر انتخاب فقط یک پایه تحصیلی در هر مقطع به عنوان نمونه مورد مطالعه بود، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در سنین مختلف به روند انتقالی و تحولی پیوند با مدرسه و بصورت کمی و در جهت تکمیل این پژوهش در شهرها و فرهنگ‌های مختلف پرداخته شود و به تفاوت‌های فرهنگی، قومیتی و جنسیتی نیز توجه گردد.



یادداشت‌ها

- | | |
|--|-------------------|
| 1- Hoffmann | 2- socialization |
| 3- school bonding | 4- school dropout |
| 5- substance use | 6- Cheny |
| 7- connection | 8- attachment |
| 9- engagement | 10- connectedness |
| 11- belonging | |
| 12- focus groups quantitative research | |
| 13- open coding behavioral frequency | |
| 14- axial coding | |
| 15- behavioral frequency | 16- peer networks |

منابع

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه: سید بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پناغی، لیلی؛ احمد آبادی، زهره؛ زاده محمدی، علی و پشت مشهدی، مرجان (۱۳۸۹). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه ارتباط با مدرسه. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، شماره

۱. ۴۶-۵۵.

- قازی طباطبائی، محمود؛ حجازی، الهه و رضائی شریف، علی (۱۳۸۹). آزمون تنوری‌های مساله اجتماعی پیوند با مدرسه در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدائی. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۲.
- میرکمالی، محمد (۱۳۷۸). روابط انسانی در آموزشگاه. تهران: نشر یسپرون.
- Barrera, M. R (2006). *Factors that influence school bonding*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of education, University of Texas.
- Battistich, B., & Hom, A. Z. (1997). The relationship between students' sense of their school as a community and their involvement in problem behaviors. *American Journal of Health*, 87, 1997-2001.
- Battistich, V., Schaps, E., & Wilson, N. (2004). Effects of an elementary school intervention on students' "connectedness" to school and social adjustment during middle school. *Journal of Primary Prevention*, 24, 243-262.
- Catalano, R., & Hawkins, J. D. (1996). The social development model: A theory of antisocial behavior. In J. D. Hawkins (Ed.), *Delinquency and crime: Current theories* (pp. 149-197). Cambridge, England: Cambridge University Press
- Cernkovich, S. A. , & Giordano, P. C. (1992). School bonding, race, and delinquency. *Criminology*, 30, 261-291.
- Conchas, G. (2001). Structuring failure and success: Undertanding the vaiability in Latino school engagement. *Harvard Educational Review*, 71(3), 475-504.
- Eith, Ch. A. (2005). *Delinquency, schools, and the social bond*. New York: LFB.
- Free, M. D., Jr. (1994). Religiosity, religious conservatism, bonds to school, and juvenile delinquency among three categories of drug users. *Deviant Behavior*, 15, 151-170.
- Fullarton, S. (2003). *Closing the gaps between schools: Accounting for variation in mathematics in Australian schools*. Using TIMSS 95 and TIMSS 99. IEA: IRC2004 - TIMSS((www.iea.nl/fileadmin/user_upload/IRC2004/Fullarton.pdf).
- Gibbs, A. (1997). *Focous groups*. Access from. <http://sru.soc.surrey.ac.uk/SRU19.html>
- Goodenow, C. (1993). Classroom belonging among early adolescent students: Relationships to motivation and achievement. *Journal of Early Adolescence*, 13 (1), 21 - 43.
- Gottfredson, G. D, Gottfredson, D. C., Payne, A. , & Gottfredson. C. (2005). School climate predictors of school disorder: Results from a National Study of Delinquency Prevention in Schools. *Journal of Research in Crime and Delinquency* , 42: 412
- Gottfredson, M., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Havkins, J.D., & Weis, J.G. (1985). The social developmental model: An integrated approach to delinquency prevention. *Ournal of Primary Prevention*, 6(2), 73-97.
- Hawkins, D., Guo, J., Hill, K., Battin-Pearson, S., & Abbott, R. (2001). Long-term effects of

- the Seattle social development intervention on school bonding trajectories. *Applied Developmental Science*, 5, 225-236.
- Hennink, M. M. (2007). *International focus group research: A handbook for the health and social sciences*. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press
- Jenkins, P. (1993). School delinquency and the school social and bond. Dissertation Abstracts International, A: *The Humanities and Social Sciences*, 54(3)
- Jenkins, P. (1997). School delinquency and the school social bond. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 34: 337-67.
- Jimerson, S. R., Campos, E., & Greif, J. L. (2003). Toward an understanding of definitions and measures of school engagement and related terms. *California School Psychologist*, 8, 7-28.
- Kim, S. (2000). *The effects of parent bonding, school bonding, belief on the structure of problem behaviors in elementary school- age children*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, University of Washington
- Libbey, H. P. (2004). Measuring student relationships to school: Attachment, bonding, connectedness and engagement. *Journal of School Health*, 74, 274-283.
- Liljeberg, J.F., Eklund J.M., Fritz, M. V., & Klinteberg, B. (2010). Poor school bonding and delinquency over time: Bidirectional effects and sex differences. *Journal of Adolescence xxx*, 1-9.
- Lonczak, H. S., Abbott, R. D., Hawkins, J. D., Kosterman, R., & Catalano, R. F. (2002). Effects of the Seattle Social Development Project on sexual behavior, pregnancy, births, and sexually transmitted disease outcomes by age 21 years. *Archives of Pediatrics and Adolescent Medicine*, 156, 438-447
- Maddox, S. J. (2005). *Assessment of school bonding in elementary school students*. Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy . University of South Carolina.
- Maddox, S. J. ,& Prinz, R. J. (2003). School bonding in children and adolescents: Conceptualization, assessment, and associated variables. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 6 (1), 31-49.
- McBride, C., Curry, S. Cheadly, A., Anderman, C., Wagner, E., Dieher, P., et al. (1995). School-level application of a social bonding model to adolescent risk-taking behavior. *Journal of School Health*, 65, 63-68.
- McGee, Z. T. (1992). Social class differences in the parental and peer influence on adolescent drug use. *Deviant Behavior*, 13, 349-372.

- McPartland, J.M & McDill, E.L. (Eds). (1977). *Violence in school : Perspectives, programs, and positions*. Lexington, MA: Health
- Murray, C. ,& Murray, K. M. (2004). Child level correlates of teacher-student relationships: An examination of demographic characteristics, academic orientations, and behavioral orientations. *Psychology in the Schools*, 41 (7), 751-762.
- Oelsner, J, Lippold, Melissa A. & Greenberg Mark T (2010). Factors influencing the development of school bonding among middle school students. *The Journal of Early Adolescence*. XX(X) 1–25. Access from <http://jea.sagepub.com/content/early/2010/04/12/0272431610366244>
- Osterman, K. (2000). Students' need for belonging in the school community. *Review of Education Research*, 70, 323-367.
- Ostroff, C. (1992). "The relationship between satisfaction, attitudes, and performance: an organizational level analysis." *Journal of Applied Psychology* 77:963-74.
- Payne, A. A., Denise C. G., & Gary D. G. (2003). "Schools as communities: The relationships among communal school organization, student bonding, and school disorder." *Criminology* 41:749-78.
- Roeser, R., & Eccles, J. (1998). Adolescents' perceptions of middle school: Relation to longitudinal changes in academic and psychological adjustment. *Journal of Research on Adolescence*, 8, 123-158.
- Scherman, V. (2002). *School climate instrument: A pilot study in pretoria and environs*. A Published dissertation. University of Pretoria. access from <za/thesis/available/etd-02232005-074243/unrestricted/00dissertation.pdf>.
- Simons-Morton, B. G. , Crump, A. D. , Haynie, D. L. , & Saylor, K. E. (1999). Student-school bonding and adolescent problem behavior. *Health Education Research*, 14, 99–107.
- Sinclair, M.F., Christenson, S.L., Elevo, D.L., & Hurley, C.M. (1998). Dropout prevention for you with disabilities: Efficacy of a sustained school engagement procedure. *Exceptional Children*, 65, 7-21.
- Wentzel, K. (1997). Student motivation in middle school: The role of perceived pedagogical caring. *Journal of Educational Psychology*, 89, 411-419.
- Wiatrowski, M., & Anderson, K. L. (1987). The dimensionality of the social bond. *Journal of Quantitative Criminology*, 3, 65–81.
- Williams, J. H. (1994). *Understanding substance use, delinquency involvement, and juvenile justice system involvement among African American and European American adolescents*. Unpublished doctoral dissertation, University of Washington.

